

نگاه کارشناس

کامران ندری مدیر سابق گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی:

به نام مردم، به کام گروه‌های خاص

ناحیه دولت و مجلس اعمال می‌شود. بانک‌ها هم تبعیت کرده و قبول می‌کنند که این وام‌ها را پرداخت کنند.

بعد از آن با زبان انباشته مواجه نمی‌شوند؟

اگر بانک‌ها، در وصول اقساط این وام‌ها با مشکل مواجه شوند، خود حاکمیت به آنان کمک می‌کند. اگر دچار ناتوانی در تأمین نیازهای نقدی خود بشوند، از بانک مرکزی وام می‌گیرند. هیچ بانکی به دلیل زیان انباشته یا از دست رفتن سرمایه‌اش، به ورشکستگی نمی‌رسد. در واقع، سیستم با خلق پول، این بانک‌ها را سر پا نگه داشته است.

پس با این وجود، هزینه چنین حمایتی از بانک برای کشور چه خواهد بود؟

هزینه این حکمرانی از طریق تورمی که مردم عادی حس می‌کنند، پرداخت می‌شود. عامه مردم این هزینه را به صورت غیرمستقیم تقبل و پرداخت می‌کنند. اینکه روزبه‌روز درآمد و قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند، ارزش پول آنان در قبال کالا و خدمات کاسته می‌شود و توانایی تأمین نیازهای زندگی خود را ندارند. روی دیگر همه این مسائل، تسهیلات کلانی است که به افراد خاص پرداخت شده است. چرا این افراد به تسهیلات این قدر دسترسی دارند و عامه مردم نه؟

یا اصلاً چقدر وقتی این افراد وام خود را پرداخت نمی‌کنند، بر خورد درستی با آنان صورت نمی‌گیرد؟ یا اصلاً چقدر وقتی بانک‌ها با این حجم از مطالبات سررسید گذشته مواجه هستند، به مشکل چندانی نمی‌خورند؟ ساختار حکمرانی در سیستم بانکی ما به گونه‌ای است که این ناترازی از طریق خلق پول و مالیات تورمی تأمین می‌شود. نتیجه هم به مردم تحمیل می‌شود و هزینه درآمدهای مردم با هم هم‌خوانی ندارد. مردم روزبه‌روز سطح زندگی خود را تقلیل می‌دهند و سطح رفاه آنان کاهش می‌یابد. از آن سمت، افرادی که وام می‌گیرند و آن را پرداخت نمی‌کنند هم به‌طور نااعادانه، هر روز پولدارتر می‌شوند.

با وجود اینکه بانک مرکزی نرخ بهره را ۲۳ درصد مشخص کرده است اما مشاهدات نشان داده که بانک‌ها هم اصل پول را بدون سود در حساب بلوکه می‌کنند و هم کارمزدهای جداگانه از متقاضی وام دریافت می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟ چنین اقدامی، چقدر قانونی است و چقدر با سیستم درست بانکداری تطابق دارد؟

این اقدام بانک‌ها که قانونی نیست؛ اما قوانین و مقرراتی که بانک مرکزی به بانک‌ها تحمیل کرده، این وضعیت را به وجود آورده است. همین قوانین تحمیلی، بانک‌ها را دچار ناترازی کرده است. بانک‌ها هم به شکلی مجبور هستند این ناترازی‌هایی که با آن مواجه هستند را به نحوی پرداخت کنند. به همین دلیل هم هست که به صورت غیرمستقیم به این سمت حرکت می‌کنند. چه‌بسا اگر این مداخلات غیراصولی و نادرست حاکمیت نبود، بانک‌ها بسیار بهتر از این عمل می‌کردند. وقتی مقرراتی به بانک‌ها تحمیل می‌شود و سیاست‌گذار توجه نمی‌کند که این مقررات تحمیلی، چه مشکلاتی برای بانک به وجود می‌آورد و اصلاً بانک‌ها با چه مشکلاتی مواجه هستند، بانک‌ها هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق چنین اقداماتی، زیان خود را به نحوی و با اقداماتی کاهش دهند. البته این اقدامات آن چنان مخفی هم نیست.

پس می‌توان گفت که مسئولیت همه این مشکلات بر عهده سیاست‌گذار و بانک مرکزی است؟

بانک مرکزی باید مسئولیت همه این مشکلات را برعهده بگیرد، زیرا بانک‌ها نمی‌خواهند به بانک مرکزی مراجعه کنند- هر چند در این مدت مراجعه آنان به بانک مرکزی افزایش پیدا کرده است- به همین دلیل هم بانک سعی می‌کند ناترازی خود را به هر طریقی و با همه شیوه‌ها و روش‌ها جبران کند. کارمزدها زیاد و مواردی مانند آن هم یک روش است که بانک‌ها به سراغ آن رفتند. البته چاره‌ای جز این هم نداشتند. این حجم از مداخلات مستقیم دستوری در شبکه بانکی، راه دیگری برای بانک‌ها باقی نمی‌گذارد. آن چیزی که غلط است و باید تغییر کند، کلیت حکمرانی پولی و بانکی ماست که متأسفانه به شکل و روال سابق استمرار دارد. مسئله‌ای که شما می‌گویید، پدیده جدیدی نیست و ما هم با آن آشنایی داریم؛ زیرا این نوع حکمرانی، یک حکمرانی سبانه‌دار حساب می‌شود. بانک‌ها در گذشته هم به همین شکل عمل می‌کردند. چنین اقداماتی در سیستم بانکی ایران رایج است و تنها دلیل آن هم حکمرانی و سیاست‌گذاری غلط در عرصه پولی و بانکداری است.

اقتصاددانان باور دارند که دخالت‌های سیاست‌گذار در سیاست‌های بانکی، منجر شده که بانک‌ها چاره‌ای جز افزایش مقدار سود از طریق روش‌های غیرمستقیم مانند دریافت کارمزد نداشته باشند. از سوی دیگر این دخالت‌ها موجب می‌شود بانک‌ها تسهیلات خود را بیش از مردم عادی، به بنگاه‌های اقتصادی دهند. کامران ندری، مدیر سابق گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی معتقد است: دخالت‌های قوه مجریه، قوه مقننه و سهام‌داران بانک‌ها، جریان وام‌دهی را به سمت خاصی هدایت کرده و عامه مردم را از دریافت خدمات تسهیلاتی محروم کرده است.

بررسی‌های میدانی ما نشان می‌دهد که بانک‌ها از اعطای وام به مشتریان حقیقی خود سرباز می‌زنند یا شرایط اعطای وام را چنان سخت عنوان می‌کنند که دهک‌های کم‌درآمد، امکان دریافت این تسهیلات را ندارند. به نظر شما دلیل این امتناع چیست؟

بانک‌ها دو کار انجام می‌دهند: یکی از این دو کار، وام دادن است. این وام‌ها برای تأمین مالی نیازهای خانوارهاست که عمدتاً از طریق وام‌های کوچک و متوسط مورد استفاده قرار می‌گیرد و باعث می‌شود افراد بتوانند برنامه مصرفی خود و برنامه سرمایه‌گذاری خود را به کمک این وام‌های بانکی انجام دهند. از محل این سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های پرداختی، بانک‌ها درآمدهایی کسب می‌کنند و هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند؛ سپس سود به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند.

پس چرا این وام‌ها به خانواده‌ها تعلق نمی‌گیرد؟ اینکه چرا این فرایند وام‌دهی و تأمین مالی بانک‌ها در کشور ما با مشکلاتی مواجه است، دلایل متعددی دارد. بخشی از آن به مداخلات حاکمیت در امور بانکی باز می‌گردد. برای مثال حاکمیت نرخ‌های بهره را به صورت دستوری کنترل می‌کند که اختلالاتی به وجود می‌آورد و سازوکار عرضه و تقاضا را مختل می‌کند. به همین دلیل هم باعث می‌شود همه کسانی که متقاضی وام هستند، نتوانند با نرخ‌هایی که در بازار وجود دارد، وام دریافت کنند. نرخ پایین‌تر از نرخ تعدیلی سرکوب می‌شود و تقاضا برای وام و تسهیلات در اقتصاد، از تسهیلات بیشتر است. به همین دلیل بانک‌ها مجبور می‌شوند وام را سبهمه‌بندی کرده و بعد تخصیص اعتبار دهند. معمولاً به دلیل مازاد تقاضا در اقتصاد ایران، حاکمیت یعنی قوه مجریه و قوه مقننه، هدایت‌ها و مداخلاتی انجام می‌دهند و در نظام بانکی، دخالت می‌کنند. از سوی دیگر، به دلیل ضعف سیستم نظارتی، سهامداران بانک‌ها هم در تخصیص وام‌ها دخالت کرده و جریان وام‌دهی را به سمت گروه‌های خاص هدایت می‌کنند. به همین دلیل هم عامه مردم، از وام‌های مربوطه و تسهیلات، محروم می‌شوند. در واقع، سیاست‌گذاری‌های غلط موجب چنین نابسامانی‌هایی شده است و مسئول این نابسامانی، قوانینی است که مجلس مصوب می‌کند و همچنین بخشنامه‌هایی که دولت ابلاغ می‌کند و هم‌چنین بخشنامه‌هایی که

سیاست‌گذاری‌های منفعلانه بانک مرکزی است. از طرف دیگر، درآمد سرانه در یک دهه گذشته به شدت کاهش یافته و رشد اقتصادی، از رشد جمعیت پایین‌تر بوده است. به دلیل مداخله‌های دولت، معمولاً درآمد خانواده‌ها متناسب با نرخ تورم رشد نکرده است. خانواده‌ها روزبه‌روز با کاهش دستمزد واقعی‌شان مواجه هستند. نیازشان به وام‌های کلان افزایش پیدا می‌کند و درآمدشان کفاف بازپرداخت را نمی‌دهد. به هر حال این ناترازی‌ها، حاکی از حکمرانی بد و اشتباهی است که در بخش‌های اقتصادی از جمله بانک‌ها به وجود آمده است. امید می‌رود در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به تغییر این وضعیت نیست. به همین دلیل باید با همین شرایط به نحوی کنار آمد.

چرا بانک‌ها با وجود اینکه در بسیاری از موارد نتوانستند وام اعطایی خود را از بنگاه‌های اقتصادی بازپس بگیرند اما باز هم تمایل بیشتری به پرداخت وام به بنگاه‌های بزرگ دارند و نه مردم عادی؟

به دلیل اینکه بانک‌ها با مشکل جدی مواجه نمی‌شوند. اولاً، این وام‌ها و تسهیلات، عمدتاً به دلیل تخلفاتی که خود سهامداران ارشد مرتبط و افراد ذی‌نفع در بانک‌ها انجام می‌دهند به این بنگاه‌ها اعطا می‌شود. بخش دیگری از این تصمیم هم از بخشنامه‌های حکومتی نشأت می‌گیرد که از

معامله شش میلیاردی برای ۳۰۰ میلیون تومان

یک بانک دیگر نیز وام قرض الحسنه ۳۰۰ میلیون تومانی با کارمزد چهار درصد ارائه می‌دهد. این وام نیاز به یک ضامن دارد و فرد متقاضی می‌تواند امتیاز آن را به فرد دیگر نیز منتقل کند. دوره‌های بازپرداخت این وام نیز، شش ماهه، ۱۲ ماهه، ۱۸ ماهه، ۲۴ ماهه، ۳۰ ماهه، ۳۶ ماهه، ۴۲ ماهه، ۴۸ ماهه و ۵۴ ماهه و ۶۰ ماهه است. با وجود این، متصدی بانک توضیح می‌دهد که اگر کسی بخواهد وام ۳۰۰ میلیون تومانی دریافت کند، باید در ابتدا شش میلیارد تومان سپرده بدون سود یک ماه در حساب قرض الحسنه خود بلوکه کند تا وامی با بازپرداخت ۶۰ ماهه داشته باشد.

رئیس شعبه جردن در بانک بعدی، با حوصله بیشتری به سوالات پاسخ می‌دهد. او توضیح می‌دهد در صورتی که فرد درخواست‌کننده وام، شش ماهه قرض خود را به بانک بازگرداند، می‌تواند به اندازه ۷۱ درصد از پول اش وام بگیرد. در این مدت هم کل پول او در بانک بلوکه می‌شود تا فرد با بانک تسویه حساب کند. اگر هم سه ماهه ۵۰۰ میلیون تومان پول در بانک بگذارد، می‌تواند ۲۰۰ میلیون تومان تسهیلات گرفته و وام ۱۲ ماهه، بازگرداند. البته در این مدت، هیچ سودی به پولی که نزد بانک است تعلق نمی‌گیرد. نرخ بهره نیز همان مبلغی خواهد بود که بانک مرکزی اعلام کرده است.

کارمزد، ۸۰ میلیون تومان!

بانک بعدی، به جز ۵۰۰ میلیون تومان اولیه که لازمه دریافت وام است، معدل حساب هم می‌گیرد. فرد حقیقی با ۵۰۰ میلیون تومان، می‌تواند حدود ۴۰۰ میلیون تومان وام با سود ۲۳ درصد بانک مرکزی دریافت کند. غیر از این هم بانک ۲۰ درصد مبلغ، کارمزد دریافت می‌کند؛ یعنی حدود ۸۰ میلیون تومان کارمزد در ابتدا دریافت می‌شود و این ۸۰ میلیون تومان، جدا از ۲۳ درصد سودی است که بانک مرکزی اعلام کرده و درخواست‌کننده وام، باید پرداخت کند. این بانک هم مانند بانک‌های قبلی در تمام این پنج ساله که شخص حقیقی در حال بازپرداخت وام است، اصل ۵۰۰ میلیون تومان را در حساب فرود، بدون اعطای سود بلوکه می‌کند. این شرایط ضمن عقد که از هر بانک تا بانک دیگر تفاوت دارد؛ شرطی است که خارج از قواعد اعلامی شورای پول و اعتبار است و به نوعی تخلف محسوب می‌شود. اما سالیان سال است که این تخلف انجام می‌شود و گویی هیچ نظارت و برخوردی در کار نیست که اگر بود بساط آن تا به حال جمع شده بود.



فعالان خصوصی



کارنامه صادرات صنایع چوبی

صادرات صنایع چوبی در سال گذشته به ۸۰ میلیون دلار رسید. به گزارش ایرنا علی مغاللو، دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنایع چوب گفت: ۸۰ میلیون دلار انواع اوراق فشرده چوب را در سال گذشته صادر کردیم که درصدد هستیم با افزایش تولید، ارزش صادرات را افزایش دهیم. او اظهار کرد: روند تولید صنعت چوب رو به رشد است که اکنون تأمین بخشی از نیاز بازار کشور را فراهم کرده و بخشی نیز صادر می‌شود. مغاللو افزود: صنعت چوب یکی از شاخص‌های توسعه‌ای است که در کشور ما نیز محصولات این صنعت مورد استفاده در صنایع مختلف قرار می‌گیرد. او عنوان کرد: واردات مبلمان خانگی ممنوع است و آن چیزی که مردم در بازار می‌بینند، تولید داخل است. دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنایع چوب ایران تأکید کرد: در سال گذشته براساس آمار گمرک، ۴۲ میلیون دلار صادرات مبلمان و در ۹ ماه امسال ۲۷ میلیون دلار بوده است.



کاهش تولید صنایع غذایی

با توجه به رکود حاکم بر کشور تولید صنایع غذایی کشور به ناچار کاهش یافته است. مسعود بختیاری، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران به ایرنا گفت: در شرایط کنونی، رکود شدیدی بر بازار صنایع غذایی حاکم است که عامل اصلی این رکود، کاهش قدرت خرید مردم است. به نظر می‌رسد بانک مرکزی تمرکز زیادی بر سیاست‌های ضدتورمی دارد و می‌خواهد به هر قیمتی که شده تورم را مهار کند که این سیاست‌ها به سهم خود رکود را تشدید کرده است. او تصریح کرد: این در حالی است که بازار داخل نیز قدرت خرید این اقلام را ندارد و تولیدکننده با توجه به هزینه تمام‌شده تولید کالا نمی‌تواند برای جذب تقاضا از قیمت خود بکاهد، در چنین شرایطی تولیدکننده نیز ناچار به کاهش تولید است. بختیاری گفت: در واقع تمرکز دولت بر سیاست‌های ضدتورمی به ایجاد رکود در بازار مواد غذایی انجامیده و با تغییر سیاست‌ها بازار از رکود خارج می‌شود.



بازار به زودی برمی‌گردد

بانک مرکزی می‌تواند با اجرای تدابیر لازم، عطش بازار ارز را کنترل و مدیریت کند. امیر شهریاری، عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به بحران‌های اخیر در یک‌ماه گذشته و تأثیر آن بر نوسانات بازار ارز به اینستاگرام گفت: قطعاً تنش‌های اخیر همچون انفجار تروریستی کرمان، بمباران یمن، حمله سپاه به مقر تروریست‌ها در پاکستان و درگیری‌های نظامی در عراق و سوریه را می‌توان کبریت اصلی ایجاد تنش و نوسان در بازار ارز دانست که باعث شد قیمت دلار طی روزهای اخیر دچار افزایش نزدیک به ۹ درصدی شود. او افزود: از سوی دیگر اتفاقات و درگیری‌های منطقه طی روزهای اخیر دلایلی بود که بانک مرکزی یا همان بازارساز به‌نوعی با سیگنال تمایل شدید بازار به افزایش قیمت ارز مواجه شود و کمی از روند تثبیت و آرامش بازار را از دست بدهد. البته بانک مرکزی با تدابیر لازم می‌تواند ولع بازار ارز را به خوبی کنترل کند.